دستور ۶ شوّال ۱۴۱۹ (۱۳۷۷/۱۱/۳)

حضرت حاج دکتر نور علی تابنده گنابادی مجذوب علیشاه ارواحنا فداه

هو

۱۲۱

برادر مکرّم آقای حسینعلی کاشانی سلّمه الله در ورود به شیراز و ایصال این نامه متن آن را برای اخوان قرائت کنند و نسخهٔ تایپ شدهٔ آن را تکثیر نموده، فتوکپی به متقاضیان تسلیم دارند.

برادر مکرّم آقای آقاملکی- مهرعلی- سَلَّمَهُ اللهُ

امیدوار بودم که ماه مبارک رمضان در مهد عرفان و در میان مؤمنین موجب شود که بیش از پیش اُنس و الفت ایجاد گردد و نام نیک و سابقهٔ عرفانی آن دیار را تحکیم بخشد، موجب ظاهری امر هم فراهم بود به این معنی که محلّ خاصّی به نام نامی سرور شهدای بشریت- حسینیه- اجتماع ظاهری را تسهیل می‌کرد ولی متأسّفانه اینگونه نشد. لذا ناچار شدم با قلبی شکسته و لبی افسوس کنان و دلی لعنت کنان به شیطان و نفس امّارهٔ بشری، دستور بستن مجلس حسینیه را در شبهای ماه رمضان بدهم. از آن زمان مرتّباً بعضی اخوان با وسایل ارتباطی، تأسّف خود را اعلام می‌دارند و تقاضای نسخ آن دستور را دارند که فعلاً پاسخ همهٔ آنان این ایه است: **وَاتَّقوُا فِتْنَةً لاتُصیبَنَّ الَّذینَ ظَلَمُوا مِنْکُمْ خاصَّةً**[1]. از بودن شما در شیراز بایستی حُسن استفاده می‌کردند، نصایح عالیه و بی‌طرفانهٔ شما را به گوش دل و تن می‌شنیدند ولی متأسّفانه از چنین فیضی نیز خود را محروم داشتند تا به حدّی که در شما ایجاد کسالت و بیماری نمود. در بسیاری شهرها که فقراء احساس فشارهایی برای بستن مجالس شبهای دوشنبه و جمعه می‌کنند، پاسخ می‌دهم که مجلس شب جمعه و در مرتبهٔ ثانوی شب دوشنبه از طرف ما بسته نمی‌شود و محال است ما خود مجلس را تعطیل کنیم و لذا در شیراز هم مجلس تعطیل نیست بلکه موجب تسهیل آن مرتفع شده و از انعقاد مجلس در حسینیه دوری می‌کنیم. معهذا همین مسئله نیز که به منزلهٔ تعطیل جزئی است، دل را ریش می‌کند و سوهان می‌زند. اینک چون شما کسالت دارید و امکان سرپرستی اقدامات و احاطه بر آن برایتان کاملاً میسّر نیست لذا برادر مکرّم آقای حسینعلی کاشانی بیدختی سلّمه الله را به آن دیار اعزام کرده و از ایشان خواستم که در معیت و خدمت شما مسئله را بررسی کرده و گزارشات امر را به فقیر برسانند و امیدوارم سفر و مساعدت ایشان مفید بوده و خداوند توفیق حلّ مشکل و افتتاح مجدّد را مرحمت فرماید:

من از بیگانگان هرگز ننالم   که با من هرچه کرد آن آشنا کرد

از بیگانه و دشمن جز زحمت توقّع نمی‌رود ولی از دوستان ضربه برگ گُل، دردآور است چه رسد به ضربهٔ شلّاقی نظیر شلّاقی که در دست بیگانه است.

چون نیک نظر کرد پر خویش در او دید   گفتا ز که نالیم که از ماست که بر ماست

والسّلام، حاج دکتر نورعلی تابنده، بندهٔ کمترین، مجذوبعلیشاه

۱. سورهٔ انفال، ایهٔ ۲۵. و بپرهیزید از فتنه‌ای (آزمایشی) که تنها به آنان که از شما ستم کردند نرسد.